



محلات منطقه‌ها

بالا خیابان، پایین خیابان

مرور خاطرات دانش‌آموزی که حالا در کسوت معلم، شاگردانش را به حرم آورده است

مشق زیارت، بزرگترین درس زندگی



گنبد بارگاه



یک بار دیگر کودک پرشور درونم رازنده ببینم. وقتی نظم صف‌ها برقرار می‌شود، ما معلم‌ها آرامش عمیقی پیدا می‌کنیم. ولی همین جنب و جوش بچه‌ها، خودش معنی زندگی است.

دنیابود. آن قدر هیجان داشتیم که مثل همین بچه‌ها، مربی‌ها حریفان نمی‌شدند.

● وقتی صف به هم ریخت

او خاطره‌ای از آن سال‌ها دارد و تعریف می‌کند: یادم هست در یکی از همین اردوهای زیارتی، صف به هم ریخت و بچه‌های چند مدرسه باهم قاتی شدند. لباس فرم مدرسه ما با دانش‌آموزان دیگر شباهت زیادی داشت و همین باعث شده بود همه یک‌دست دیده شویم. از طرفی آن قدر هیجان بچه‌ها زیاد بود که سه چهار ساعتی طول کشید تا مربی‌ها توانستند دانش‌آموزان هر مدرسه را جدا کنند و ما را به مقصد برسانند.

حالا، سال‌ها گذشته است و او خودش در کسوت معلمی، نسلی را هدایت می‌کند که باید آموزه‌های یکی دودهمه قبلش را به آن‌ها منتقل کند. گلمکانی بارضایت از حضور دل‌نشین دانش‌آموزانش در حرم امام رضا^(ع) می‌گوید: آمدن بایچه‌ها به حرم، بهانه‌ای بود تا

سمیرا شاهیان اصحن‌های حرم مطهر رضوی در این روزهای بازگشایی مدرسه‌ها، رنگ و بوی دیگری دارد. کاروان‌های دانش‌آموزی، صحن‌ها و رواق‌ها را با شور زندگی پیوند می‌زنند. یکی از این کاروان‌ها، دانش‌آموزان دبستان پسرانه علامه مشهد هستند که به همراه معلمان با حوصله خود به زیارت آمده‌اند.

● تکرار خاطرات شیرین زیارت

فاطمه گلمکانی، آموزگار ادبیات فارسی در پایه‌های پنجم و ششم است. در حالی که صف بچه‌ها را مرتب می‌کند، بالبخندی، خاطرات کودکی‌اش را هم مرور می‌کند. برای این معلم دهه شصتی، همراهی با بچه‌ها در این فضای معنوی، تکرار یک خاطره قدیمی و شیرین است. اولاً به لای تذکراتی دلسوزانه به دانش‌آموزانش، وقتی چشم به تکاپوی آن‌ها می‌دوید، انگار زمان برایش به عقب برمی‌گردد و می‌گوید: وقتی ماهم درس و سال این بچه‌ها از طریق مدرسه به زیارت می‌آمدیم، صحن و سرای حرم امام رضا^(ع) برایمان اوج لذت

در هفته دفاع مقدس، اهالی بالاخیابان به منزل ۲ شهید قدیمی محله‌شان رفتند

نصب پلاک افتخار، دلگرمی مادران شهدا

نجمه موسوی ایابیز که شروع می‌شود برای مادران شهدا تداومی کننده شروع جنگ تحمیلی هشت ساله است؛ جنگی که وداع فرزندانشان با درس و مدرسه بود و رفتن به جبهه‌هایی که درس انسانیت را در آن آموختند. در این روزهای مقدس و هفته‌ای که به نام دفاع مزین شده است، اهالی و اعضای شورای اجتماعی محله بالاخیابان، با جمعی از مسئولان شهری، بنیاد شهید و انتظامی همراه شدند تا به منزل دو مادر شهید بروند و به آن‌ها که عزیزشان را برای امنیت مردم راهی جبهه حق علیه باطل کردند ادای احترام کنند. مادر شهید محمد مخیر ایرانی و مادر و پدر شهید مهدی کشمیری در خانه‌شان همیشه به روی مردم محل باز است و این بار هم با روی خوش به استقبال ما آمدند.

در این مراسم حسین عبدا...زاده، شهردار منطقه ثامن، به مادر شهید محمد مخیر ایرانی و پدر و مادر شهید مهدی کشمیری، لوح تقدیر و هدیه‌ای تقدیم کرد. اما از نگاه مادران شهید، بهترین هدیه همان پلاکی بود که بر سردر خانه‌شان نصب شد.



این روزها که صحبت جنگ و شهادت در کشورمان تازه شده، مادر شهید بیشتر از همیشه بی‌تاب پسرش است. زهرا خانم، فاطمه خانم و نرگس خانم سه خواهر شهید محمد مخیر ایرانی و محمد آقا پسر نرگس خانم هر روز به مادر سر می‌زنند و سعی می‌کنند نگذارند نبود در دانه‌اش که قرار بود عصای پیری مادر باشد، اورا از پای درآورد.

● مادر محمد مخیر ایرانی ۳۳ سال چشم انتظار پسر مفقود الاثرش بود. سال‌هایی قرار می‌گرفت که باقی مانده بیکریاک تنها پسرش را به خاک سپرد. با اینکه چند سال قبل پلاک افتخاری به نام محمد، سر کوه‌شان نصب شده بود حاج خانم اصرار داشت عکس پسر شهیدش روی دیوار خانه خودش نقش ببندد. حالا لبخند رضایت بر لب این مادر داغ دیده نشست.



● هنگام نصب پلاک افتخار سردر منزل پدر شهید کشمیری، اهالی محل که حالا پیرمردهایی ریش سفید کرده‌اند، دور خانه جمع شدند و از دوست و رفیق قدیمی‌شان یاد کردند. بعد از نصب پلاک، در هر گوشه‌ای از کوه شهید قائمی یک نفر برای دیگری خاطره‌ای از مهدی تعریف می‌کرد.